

توسعه فردی و تحول سازمانی

برازش مدل ساختاری توانمند سازی کاربران عراقی در راستای ایجاد وفاق فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی

شیوه استناددهی: الصبیح، مصطفی زهیر ترکی سلمان، آفاجانی، مجتبی، و العزاوی، ضحی سعد داود رشید. (۱۴۰۳). برازش مدل ساختاری توانمند سازی کاربران عراقی در راستای ایجاد وفاق فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی. توسعه فردی و تحول سازمانی، ۲(۲)، ۲۲۴-۲۲۸.

مصطفی زهیر ترکی سلمان الصبیح^۱، مجتبی آفاجانی^۲، ضحی سعد داود رشید العزاوی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم ارتباطات، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲. استادیار، گروه مدیریت، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۳. استادیار، گروه رسانه، دانشکده رسانه، دانشگاه بغداد، عراق

* ایمیل نویسنده مسئول: mo_aghajani@yahoo.com

چکیده

تاریخ چاپ: ۱ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۰ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۷ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ ارسال: ۲ خرداد ۱۴۰۳

امروزه شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به فرهنگ و ارزش‌های جامعه نقشی مهم و تاثیر گذار دارند. از این رو توانمندسازی کاربران به صورتی که آن‌ها بتوانند به صورت فعال و مسئولانه در این شبکه‌ها حضور داشته باشند به وفاق فرهنگی و پیوندهای اجتماعی قوی منجر خواهد شد. این پژوهش با هدف برازش مدل توانمندسازی کاربران عراقی به منظور ایجاد وفاق فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی انجام شد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و در زمره تحقیقات توصیفی-پیمایشی و بر اساس روش تحقیق، در زمره تحقیقات همبستگی با استفاده از الگوی علی است. جامعه آماری در بخش کمی این پژوهش شامل کلیه فعالان بستر فضای مجازی در عراق در سال ۲۰۲۴-۲۰۲۵ است که تعداد آن‌ها نامعلوم است. جهت برآورد حجم نمونه از طریق فرمول کوکران به تعداد ۳۸۴ نفر و با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. گردآوری داده‌ها در بخش کمی مطالعه حاضر با استفاده از پرسشنامه منتج از تحلیل داده‌های کیفی بود. روایی پرسشنامه توسط خبرگان و همچنین روایی همگرا و واگرا نیز بررسی و تایید گردید. پایایی ابزار پژوهش با استفاده از پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ محاسبه و تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS نشان می‌دهد که دانش مجازی بر توانمند سازی کاربران عرب، توانمند سازی بر توسعه فرهنگی دیجیتال، ناهنجاری‌های رسانه و بسترهای راهبردی بر توسعه فرهنگی دیجیتال و توسعه فرهنگی دیجیتال بر وفاق فرهنگی تاثیر مثبت و معنی دار دارد.

کلیدواژگان: شبکه‌های اجتماعی، توانمندسازی، وفاق فرهنگی، کاربران عراقی

این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



Personal Development and Organizational Transformation

Structural Model Fit for the Empowerment of Iraqi Users Toward the Creation of Cultural Consensus in Social Networks

Mustafa Zuhair Turki Salman Al-Subaih¹, Mojtaba Aghajani^{2*}, Zoha Saad Dawood Rashid Al-Azzawi³

1. PhD Student, Department of Communication Sciences, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
2. Assistant Professor, Department of Management, Mobarak Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
3. Assistant Professor, Media Department, Faculty of Media, University of Baghdad, Iraq

*Corresponding Author's Email: mo_aghajani@yahoo.com

How to cite: Zuhair Turki Salman Al, M., Aghajani, M., & Saad Dawood Rashid Al, Z. (2024). Structural Model Fit for the Empowerment of Iraqi Users Toward the Creation of Cultural Consensus in Social Networks. *Personal Development and Organizational Transformation*, 2(2), 228-244.

Abstract

Today, social networks play a significant and influential role in shaping the culture and values of societies. Therefore, empowering users to participate actively and responsibly in these networks will lead to cultural consensus and stronger social ties. This study aimed to fit a model for the empowerment of Iraqi users to foster cultural consensus through social networks. In terms of purpose, this research is applied, and methodologically, it is classified as a descriptive-survey study. From the perspective of the research strategy, it is a correlational study using a causal modeling approach. The statistical population in the quantitative section of this research includes all active users of virtual platforms in Iraq during 2024–2025, whose exact number is unknown. To estimate the sample size, Cochran's formula was applied, resulting in a sample of 384 individuals selected through convenience sampling. Data collection in the quantitative part of the study was conducted using a questionnaire derived from the analysis of qualitative data. The questionnaire's content validity was confirmed by experts, and both convergent and discriminant validity were evaluated and validated. The reliability of the research instrument was confirmed using composite reliability and Cronbach's alpha. Data analysis using SPSS and Smart PLS software indicates that virtual knowledge has a positive and significant effect on the empowerment of Arab users; empowerment positively and significantly influences digital cultural development; media anomalies and strategic platforms positively and significantly influence digital cultural development; and finally, digital cultural development has a positive and significant effect on cultural consensus.

Keywords: Social networks, Empowerment, Cultural consensus, Iraqi users

Submit Date: 22 May 2024

Revise Date: 10 August 2024

Accept Date: 17 August 2024

Publish Date: 22 August 2024



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

مقدمه

با توسعه فناوری‌های ارتباطی و گسترش شبکه‌های اجتماعی در دهه‌های اخیر، جوامع با پدیده‌ای نوظهور در حوزه فرهنگ و تعاملات اجتماعی مواجه شده‌اند. شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزارهایی برای تسهیل ارتباطات، تبادل اطلاعات و ایجاد هویت فرهنگی، نقش بی‌بدیلی در شکل‌دهی به ارزش‌ها و نگرش‌های افراد ایفا می‌کنند. این فضاها، اگرچه فرصت‌هایی را برای مشارکت اجتماعی فراهم می‌کنند، اما در صورت فقدان سواد رسانه‌ای و عدم توانمندسازی کاربران، می‌توانند به تشدید نابرابری‌های فرهنگی، تضعیف انسجام اجتماعی و بروز تعارضات میان‌فرهنگی منجر شوند (Balick, 2023; Cai & Zhang, 2023; Kunst & Mesoudi, 2024).

در این میان، توانمندسازی کاربران شبکه‌های اجتماعی به مثابه رویکردی کارآمد جهت ارتقاء نقش فعال و مسئولانه آن‌ها در تعاملات فرهنگی اهمیت ویژه‌ای یافته است. توانمندسازی نه تنها موجب افزایش مشارکت مدنی می‌شود، بلکه زمینه را برای شکل‌گیری وفاق فرهنگی در بستر جوامع چندقومیتی و چندفرهنگی فراهم می‌آورد (Berraies et al., 2024; Hosseini & Alizadeh, 2023; Khatoon et al., 2024). وفاق فرهنگی به عنوان سطحی از توافق و درک مشترک نسبت به ارزش‌ها، هنجارها و باورهای فرهنگی تعریف می‌شود که به تثبیت هویت اجتماعی و کاهش تنش‌های فرهنگی کمک می‌کند (Patel, 2023; Sharifan et al., 2022).

در کشورهایی همچون عراق که تنوع قومی، زبانی و مذهبی بالایی دارند، نقش شبکه‌های اجتماعی در تحکیم یا تضعیف انسجام فرهنگی بیش از پیش مشهود است. پژوهش‌هایی نظیر کار محمد (۲۰۱۶) نشان داده‌اند که رسانه‌های اجتماعی در زمینه توانمندسازی زنان در نیروی کار فناوری اطلاعات در عراق نقش مؤثری ایفا کرده‌اند و موجب افزایش آگاهی، استقلال و حضور فعال زنان در فضاها عمومی شده‌اند (Mohammad, 2016). همچنین یافته‌های مطالعات اخیر نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به بستری برای ارتقاء دیالوگ بین‌فرهنگی و کاهش شکاف‌های قومی و زبانی تبدیل شوند (Côté & Evans, 2025; Tang & Chan, 2024).

توانمندسازی در فضای مجازی، مفهومی چندبعدی است که از سویی به مهارت‌های شناختی و دسترسی به اطلاعات بازمی‌گردد و از سوی دیگر به مشارکت فعال در تولید، مصرف و بازآفرینی معانی فرهنگی اشاره دارد (Estrella, 2025; Lavilles et al., 2023). کاربران توانمند قادرند با آگاهی نسبت به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، رفتارهای خلاقانه، انتقادی و مسئولانه در فضای مجازی از خود بروز دهند (Jacob et al., 2023; van de Ven & Chateau, 2025). این قابلیت‌ها بویژه در بافت‌هایی نظیر عراق که سابقه درگیری‌های قومی و مذهبی دارد، می‌تواند به بازسازی سرمایه اجتماعی و ترویج الگوهای فرهنگی مشترک کمک کند (Allah Moradi et al., 2022; Savari & Haghighatian, 2024).

در ادبیات نظری مرتبط، عواملی همچون سواد دیجیتال، آگاهی فرهنگی، توانمندسازی عملیاتی و تعاملات هنجاری به عنوان مؤلفه‌های کلیدی در توانمندسازی کاربران در فضای اجتماعی شناسایی شده‌اند (Mirbik Sabzevari et al., 2024; Suksawas & Soithong, 2024). این مؤلفه‌ها در تعامل با بسترهای راهبردی نظیر سیاست‌گذاری رسانه‌ای، چارچوب‌های تنظیمی و الگوریتم‌های پلتفرمی می‌توانند بر توسعه فرهنگی دیجیتال و به تبع آن بر وفاق فرهنگی تأثیرگذار باشند (Ogwezzy et al., 2025; Ozer & Kamran, 2023).

در این میان، الگوی مفهومی این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه‌پردازی داده‌بنیاد و مدل‌سازی ساختاری، تلاش دارد نقش دانش مجازی، توانمندسازی، بسترهای راهبردی و ناهنجاری‌های رسانه‌ای را در تبیین توسعه فرهنگی دیجیتال و وفاق فرهنگی بررسی نماید. یافته‌های پژوهش‌های گذشته تأکید دارند که رسانه‌های اجتماعی می‌توانند به عنوان فضاهایی برای تقویت سرمایه فرهنگی، تسهیل انتقال بین‌نسلی

دانش، و ایجاد بسترهایی برای تعامل بین‌فرهنگی عمل کنند (Alnaghaimshi & Pearson, 2023; Daniel & Mutz, 2023; Yulianti et al., 2023).

همچنین، پژوهش‌های مرتبط با جوامع چندفرهنگی حاکی از آن هستند که راهبردهای توانمندسازی زمانی مؤثرند که مبتنی بر درک تفاوت‌های فرهنگی، احترام به تنوع و تقویت ظرفیت‌های بومی باشند (Cao et al., 2025; Khajeh Noori & Zadfaraj, 2022). در این زمینه، چارچوب‌های فرهنگی باز و انعطاف‌پذیر می‌توانند زمینه‌ساز پذیرش، همکاری و شکل‌گیری هویت جمعی شوند (Haider et al., 2023; Sharmin, 2024).

در نهایت، باید خاطر نشان کرد که توسعه پایدار در فضای فرهنگی بدون توجه به نقش شبکه‌های اجتماعی و توانمندسازی کاربران در آن‌ها میسر نخواهد بود. بنابراین، پرداختن به این موضوع در بستری همچون عراق که از یک سو با تنوع فرهنگی و از سوی دیگر با چالش‌های نوسازی رسانه‌ای مواجه است، می‌تواند چشم‌انداز روشنی برای سیاست‌گذاران فرهنگی و تصمیم‌گیران اجتماعی فراهم آورد (Berraies et al., 2024; Gangwani et al., 2021).

این مطالعه با هدف ارائه مدلی ساختاری برای تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی کاربران عراقی در راستای ایجاد وفاق فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی انجام شد.

روش‌شناسی

با توجه به این که هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر مدل توانمندسازی کاربران عراقی بر ایجاد وفاق فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی است، رویکرد مطالعه حاضر از نوع کیفی کمی است. بر این اساس و با توجه به ابعاد مورد مطالعه، روش مورد استفاده در بخش کیفی نظریه زمینه‌ای یا نظریه داده بنیاد بوده است که از طرح نظام مند و روش سیستماتیک اشتراوس و کوربین استفاده شده است. در بخش کمی از روش پژوهش توصیفی پیمایشی استفاده شد. هدف از انجام این مرحله، اعتباریابی مدل توانمندسازی کاربران عرب به منظور ارتقای وفاق فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی عراق در مرحله کیفی خواهد بود. روایی و پایایی آن محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل سنجش روایی از روشهای تحلیل عامل تاییدی مرتبه اول و دوم و تحلیل گویه و برای سنجش پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. جامعه آماری در بخش کمی این پژوهش شامل کلیه فعالان بستر فضای مجازی در عراق در سال ۲۰۲۴-۲۰۲۵ است که تعداد آن‌ها نامعلوم است. جهت برآورد حجم نمونه از طریق فرمول کوکران به تعداد ۳۸۴ نفر و با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. گردآوری داده‌ها در بخش کمی مطالعه حاضر با استفاده از پرسشنامه منتج از تحلیل داده‌های کیفی بود. از آنجا که محتوای پرسشنامه، مؤلفه‌هایی را نشان می‌دهد که دارای بالاترین ضریب اهمیت می‌باشند، با توجه به تائید سؤال‌های توسط خبرگان، روایی محتوای پرسشنامه مورد تائید قرار گرفته است.

در خصوص پایایی پرسشنامه نیز باید اذعان داشت در ابتدا جهت انجام آزمون‌های آماری، جهت تائید قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه الفای کرونباخ محاسبه شده است. الفای کرونباخ آلفا برای سنجش میزان تک بعدی بودن نگرش‌ها، قضاوتها و سایر مقولاتی که اندازه‌گیری آن‌ها آسان نیست به کار می‌رود. هر قدر همبستگی مثبت بین سؤالات بیشتر شود، میزان کرونباخ آلفا بیشتر خواهد شد و بالعکس هر قدر واریانس میانگین سؤالات بیشتر شود آلفای کرونباخ کاهش پیدا خواهد کرد. جهت بررسی پایایی سازه از سه شاخص پایایی ترکیبی، متوسط واریانس استخراج شده و آلفای کرونباخ استفاده گردید. به عقیده فورنل و لارکر (۱۹۸۱) شرط برقراری پایایی سازه (همسانی درونی الگوی این است که مقادیر پایایی ترکیبی بزرگتر از ۰.۷ و مقادیر متوسط واریانس استخراج شده بزرگتر از ۰.۵ باشد البته مکنز و همکاران (۱۹۹۶) مقدار ۰.۴ به بالا را برای

متوسط واریانس استخراج شده کافی دانسته اند مقدار متوسط واریانس استخراج شده نشان می‌دهد چه میزان از واریانس مجموعه متغیرهای مشاهده شده توسط متغیر پنهان ساخته شده تبیین می‌شود به عبارت دیگر متغیر پنهان مورد نظر حداقل ۵۰ درصد واریانس مشاهده پذیرهای خود را تبیین می‌کند. نتایج بدست آمده در جدول گزارش شده حاکی از بالا بودن مقادیر پایایی ترکیبی همه شاخص‌ها بالای ۰/۶ و قابل قبول بودن پایایی سازه می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، به دو روش توصیفی و استنباطی از طریق نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۷ و Smart PLS نسخه ۴ انجام می‌شود. در این تحقیق برای توصیف داده‌ها از آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد فراوانی، جدول توزیع فراوانی، ترسیم نمودارها و همچنین توصیف ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه استفاده می‌گردد و در تحلیل استنباطی به روش تحلیل عاملی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد.

یافته‌ها

مدل پارادایمیک این تحقیق شامل ۶ کد محوری می‌باشد که بنا به فراخور اهمیت و تحلیل داده‌های کیفی در بخش‌های مدل پارادایمیک قرار گرفته‌اند. به این ترتیب کد محوری دانش مجازی با داشتن ۳ مؤلفه به نام‌های (سواد رسانه، سواد فرهنگی، سواد اطلاعاتی) به عنوان شرایط علی اثرگذار بر توانمندسازی کاربران شناخته شدند. همچنین شرایط زمینه‌ای به عنوان بستر شامل کد محوری بسترهای راهبردی با ۲ مؤلفه (بسترهای محیطی، بسترهای دیجیتال) ارائه گردیده است. در ادامه کد محوری ناهنجاری‌های رسانه با ۴ مؤلفه به نام‌های (تهاجم رسانه‌ای، تبعیضات فرهنگی، فیلترینگ و جهانی شدن) به عنوان عوامل مداخله‌گر در این مدل پارادایمیک شناخته شده‌اند. کد محوری توسعه فرهنگی دیجیتال با ۲ مؤلفه به نام‌های توسعه همگرایی فرهنگی و توسعه پلتفرم‌های داخلی به عنوان راهبرد در این مدل پارادایمیک شناخته شدند. در ادامه نیز کد محوری توانمندسازی کاربران با ۳ مؤلفه به نام‌های تواناسازی عملیاتی، تواناسازی هنجاری، تواناسازی رسانه‌ای به عنوان مقوله محوری شناخته شد. پیامد در این مدل شامل کد محوری وفاق فرهنگی بود که ۲ مؤلفه به نام‌های همبستگی فرهنگی و همبستگی اجتماعی شناخته شدند. در ادامه، فرضیات به‌دست‌آمده از سه مرحله کدگذاری و تحلیل داده‌ها در نرم افزار و باتوجه به مدل پارادایمیک استراوس و کوربین ارائه می‌گردد.

فرضیه اول: دانش مجازی بر توانمندسازی کاربران تأثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم: توانمندسازی کاربران بر توسعه فرهنگی دیجیتال تأثیر معناداری دارد.

فرضیه سوم: ناهنجاری‌های رسانه بر توسعه فرهنگی دیجیتال تأثیر معناداری دارد.

فرضیه چهارم: بسترهای راهبردی بر توسعه فرهنگی دیجیتال تأثیر معناداری دارد.

فرضیه پنجم: توسعه فرهنگی دیجیتال بر وفاق فرهنگی تأثیر معناداری دارد.

در این بخش، تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق ارائه می‌شود که به شرح جدول ذیل است. در این جدول، متغیرهای تحقیق و آمار توصیفی مربوط به هر یک از متغیر مانند میانگین، واریانس و انحراف معیار آمده است. همان گونه که ملاحظه می‌شود توانمندسازی کاربران دارای بیشترین میزان میانگین و بسترهای راهبردی کمترین مقدار میانگین را دارا می‌باشد.

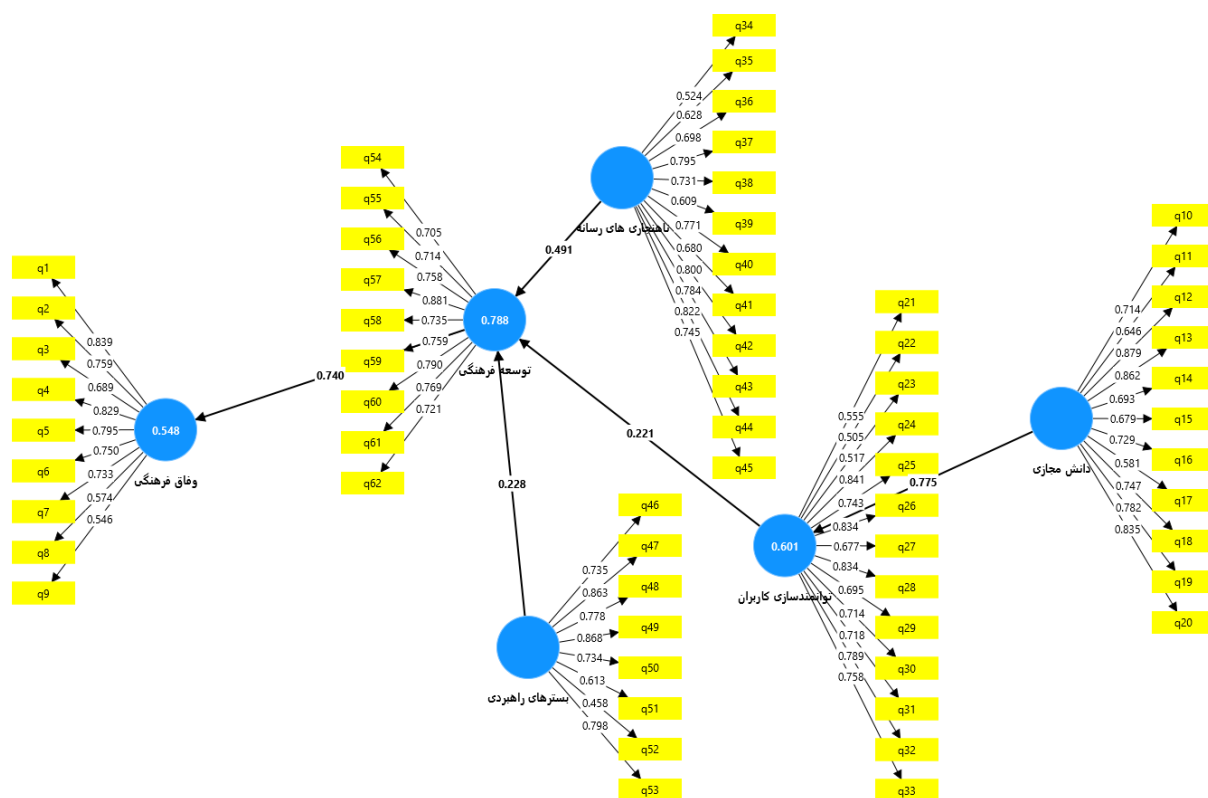
توسعه فردی و تحول سازمانی

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

متغیرهای مورد مطالعه	میانگین	انحراف معیار	واریانس
وفاق فرهنگی	۳.۹۶۴۱	۰.۷۴۵۰۳	۰.۵۵۵
دانش مجازی	۳.۹۸۵۶	۰.۸۲۴۴۹	۰.۶۸۰
توانمندسازی کاربران	۴.۲۷۷۶	۰.۶۵۷۲۸	۰.۴۳۲
ناهنجاری‌های رسانه	۳.۸۸۷۸	۰.۷۱۴۰۱	۰.۵۱۰
بسترهای راهبردی	۳.۶۹۹۹	۰.۷۷۳۳۶	۰.۵۹۸
توسعه فرهنگی	۴.۰۰۵۲	۰.۷۰۹۷۸	۰.۵۰۴

در مدل‌های "پی ال اس" دو مدل آزمون می‌شود. مدل اول مدل بیرونی است که هم ارز مدل اندازه‌گیری و مدل دوم، مدل درونی است که هم ارز مدل ساختاری، در مدل‌های مبتنی بر کوواریانس می‌باشد. بنابراین در مرحله اول مدل اندازه‌گیری از طریق تحلیل روابی و پایایی بررسی می‌شود، سپس در دومین مرحله مدل ساختاری به وسیله برآورد ضریب مسیر بین متغیرها و تعیین شاخص‌های برازش مدل آزمون می‌گردد. برای بررسی برازش بخش اول یعنی برازش مدل‌های اندازه‌گیری سه مورد استفاده می‌گردد: پایایی شاخص، روابی همگرا، روابی واگرا. پایایی شاخص نیز خود توسط سه معیار مورد سنجش واقع می‌گردد: (۱) آلفای کرونباخ، (۲) پایایی ترکیبی یا Rho، (۳) ضرائب بارهای عاملی.

اولین عاملی که در ارزیابی مدل، باید مورد توجه قرار گیرد، تک بعدی بودن شاخص‌های مدل است. بدین معنی که هر شاخص در مجموع شاخص‌ها، باید با یک مقدار بار عاملی بزرگ، تنها به یک متغیر نهفته، بارگذاری گردد. بدین منظور باید مقدار بار عاملی بزرگتر از ۰/۴ باشد. لازم به ذکر است که مقدار بار عاملی کوچکتر از ۰/۴ کوچک محسوب شده و باید از مجموعه شاخص‌ها حذف گردد. این امر به صورت دستی با حذف شاخص‌هایی که دارای بار عاملی کمتر از ۰/۴ می‌باشند، انجام می‌شود. پس از محاسبه ضرایب بار عاملی گویه‌ها و حذف گویه‌هایی که ضریب بار عاملی آن کمتر از ۰/۴ بود، مقادیر شکل شماره ۱ برای ضرایب عاملی محاسبه گردید. پس از محاسبه ضرایب بار عاملی گویه‌ها و حذف گویه‌هایی که ضریب بار عاملی آن کمتر از ۰/۴ بود، مقادیر شکل شماره ۱ برای ضرایب عاملی محاسبه گردید.



شکل ۱. ضرایب بارهای عاملی

عامل دیگر در ارزیابی قابلیت اطمینان سازگاری درونی مدل، مقدار این ضریب، از ۰ تا ۱۰ متغیر است که مقادیر بالاتر از ۰.۷ پذیرفته و مقادیر کمتر از ۰.۶ نامطلوب ارزیابی می‌گردد (کرونباخ، ۱۹۵۱). آزمون مدل بیرونی (مدل اندازه گیری): آزمون مدل بیرونی شامل بررسی پایایی و روایی سازه‌ها و ابزار پژوهش می‌باشد.

از آنجایی که معیار آلفای کرونباخ یک معیار سستی برای تعیین پایایی سازه‌ها می‌باشد، روش PLS معیار مدرن تری نسبت به آلفا، به نام پایایی ترکیبی به کار می‌برد. این معیار توسط ورتس و همکاران (۱۹۷۴) معرفی شد و برتری آن نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها نه بصورت مطلق، بلکه با توجه به همبستگی سازه هایشان با یکدیگر محاسبه می‌گردد. در نتیجه برای سنجش بهتر پایایی در روش PLS، هر دوی این معیارها به کار برده می‌شوند. برخی محققین معیار ترکیبی (CR) را با Rho معرفی می‌کنند. در صورتی که مقدار CR برای هر سازه بالای ۰.۷ شود نشان از پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری دارد و مقدار کمتر از ۰.۶ عدم وجود پایایی را نشان می‌دهد.

پس از محاسبه مقادیر CR مربوط به متغیرهای پژوهش، جدول مقادیر مربوط به پایایی ترکیبی، به صورت جدول زیر تکمیل می‌شود.

جدول ۲. مقادیر مربوط به پایایی شاخص

آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (rho_a)	پایایی ترکیبی (rho_c)
۰.۸۷۹	۰.۹۰۴	۰.۹۰۵
۰.۹۱۷	۰.۹۲۵	۰.۹۳۰
۰.۸۸۵	۰.۹۰۴	۰.۹۰۹
۰.۹۱۸	۰.۹۲۶	۰.۹۳۱
۰.۹۱۴	۰.۹۲۲	۰.۹۲۸
۰.۸۸۹	۰.۸۹۵	۰.۹۱۰

فورنل و لاکر (۱۹۸۱) معیار "میانگین واریانس استخراج شده" را برای سنجش روایی همگرا معرفی کرده و اظهار داشتند که در مورد این شاخص، مقدار بحرانی عدد ۰.۵ است. بدین معنی که مقدار AVE بالای ۰.۵، روایی همگرایی قابل قبول را نشان می‌دهد. روش محاسبه مقدار AVE برای متغیرهای پژوهش به صورت زیر می‌باشد.

پس از محاسبه مقادیر AVE مربوط به متغیرهای پژوهش، جدول مقادیر مربوط به روایی همگرا، به صورت زیر تکمیل می‌شود: از آن جایی که مقادیر AVE بزرگتر از ۰.۵ است لذا روایی همگرایی قابل قبول می‌باشد.

جدول ۳. مقادیر مربوط به روایی همگرا

روایی همگرا ((AVE)	
۰.۵۵۱	بسترهای راهبردی
۰.۵۱۱	توانمندسازی کاربران
۰.۵۳۶	توسعه فرهنگی
۰.۵۵۶	دانش مجازی
۰.۵۲۰	ناهنجاری‌های رسانه
۰.۵۳۳	وفاق فرهنگی

معیار مهم دیگری که با روایی واگرا مشخص می‌شود، میزان رابطه یک سازه با شاخص‌هایش در مقایسه رابطه آن سازه با سایر سازه‌هاست؛ به طوری که روایی واگرایی قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک سازه در مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارد تا با سازه‌های دیگر. فورنل و لاکر (۱۹۸۱) بیان می‌کنند: روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر (یعنی مربع مقدار ضرایب همبستگی بین سازه‌ها) در مدل باشد. در PLS بررسی این امر به وسیله یک ماتریس صورت می‌پذیرد که خانه‌های این ماتریس حاوی مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها و جذر مقادیر AVE مربوط به هر سازه است. این مدل در صورتی روایی واگرایی قابل قبول دارد که اعداد مندرج در قطر اصلی از مقادیر زیرین خود بیشتر باشد.

جدول ۴. مقادیر فورنل لاکر

بسترهای راهبردی	توانمندسازی کاربران	توسعه فرهنگی	دانش مجازی	ناهنجاری‌های رسانه	وفاق فرهنگی
۰.۷۴۲					
	۰.۷۱۵				
		۰.۷۳۲			
			۰.۷۴۶		
				۰.۷۲۱	
					۰.۷۳۰
۰.۶۲۹	۰.۶۷۴	۰.۶۵۶	۰.۶۴۳	۰.۶۲۸	
۰.۶۴۲	۰.۶۷۵	۰.۶۷۲			
۰.۶۰۲	۰.۶۹۳				
۰.۷۰۸	۰.۵۶۵	۰.۶۴۰			

با توجه به مقادیر به دست آمده در جدول ۵ ملاحظه می‌شود که مقادیر جذر AVE که بر روی قطر اصلی ماتریس وجود دارد از مقادیر زیرین هر سلول بیشتر است و بنابراین مدل روایی نسبتاً قابل قبولی دارد.

R^2 معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل سازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و نشان از تأثیری دارد که یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا می‌گذارد. نکته ضروری در اینجا است که مقدار R^2 ، تنها برای سازه‌های درون‌زای مدل

محاسبه می‌گردد و در مورد سازه‌های برون‌زا مقدار این معیار صفر است. مقدار این ضریب نیز از ۰ تا ۱ متغیر است که مقادیر بزرگتر، مطلوب‌تر است. چین (۱۹۸۸)، مقادیر نزدیک به ۰.۶۷ را مطلوب، نزدیک به ۰.۳۳ را معمولی و نزدیک به ۰.۱۹ را ضعیف ارزیابی می‌نماید.

جدول ۵. مقادیر ضرایب تعیین

مقدار R^2 تعدیل شده	مقدار R^2	
۰.۶۰۰	۰.۶۰۱	توانمندسازی کاربران
۰.۷۸۷	۰.۷۸۸	توسعه فرهنگی
۰.۵۴۷	۰.۵۴۸	وفاق فرهنگی
	۰.۶۴۵	میانگین R^2

مقادیر به دست آمده برای R^2 حاکی از برازش معمولی مدل ساختاری می‌باشد.

این معیار که توسط استون و گیزر (۱۹۷۵) معرفی شد قدرت پیش بینی مدل را مشخص می‌سازد. به اعتقاد آن‌ها مدل‌هایی که دارای برازش بخش ساختاری قابل قبول هستند، باید قابلیت پیش بینی شاخ‌های مربوط به سازه‌های درون‌زای مدل را داشته باشند. بدین معنی که اگر در یک مدل، روابط بین سازه‌ها به درستی تعریف شده باشند، سازه‌ها قادر خواهند بود تا تأثیر کافی بر شاخصهای یکدیگر گذاشته و از این راه فرضیه‌ها به درستی تأیید شوند. در صورتی که مقدار Q^2 در مورد یک سازه‌ی درون‌زا صفر یا کمتر از صفر شود، نشان از آن دارد که روابط بین سازه‌های دیگر مدل و آن سازه درون‌زا به خوبی تبیین نشده است و در نتیجه مدل نیاز به اصلاح دارد. هنسلر و همکاران (۲۰۰۹) در مورد شدت قدرت پیش بینی مدل در مورد سازه‌های درون‌زا، سه مقدار ۰.۰۲ و ۰.۱۵ و ۰.۳۵ را تعیین نموده‌اند. به اعتقاد آن‌ها اگر مقدار Q^2 در مورد یک سازه‌ی درون‌زا در محدوده نزدیک به ۰.۰۲ باشد، نشان از آن دارد که مدل قدرت پیش بینی ضعیفی در قبال شاخه‌های آن سازه دارد.

جدول ۶. مقادیر Q^2

$Q^2 (= 1 - SSE/SSO)$	SSE	SSO	
۰.۴۳۳۳	۱۷۴۱.۲۱۹	۳۰۷۲.۰۰۰	بسترهای راهبردی
۰.۴۲۶	۲۸۶۳.۱۷۵	۴۹۹۲.۰۰۰	توانمندسازی کاربران
۰.۴۳۲	۱۹۶۳.۱۲۴	۳۴۵۶.۰۰۰	توسعه فرهنگی
۰.۴۷۰	۲۲۳۷.۴۷۸	۴۲۲۴.۰۰۰	دانش مجازی
۰.۴۲۹	۲۶۳۳.۴۲۳	۴۶۰۸.۰۰۰	ناهنجاری‌های رسانه
۰.۴۲۶	۱۹۸۵.۳۱۶	۳۴۵۶.۰۰۰	وفاق فرهنگی

با توجه به اینکه مقادیر Q^2 مربوطه بزرگتر از ۰.۳۵ است قدرت پیش بینی مدل بالا است. بنابراین در کل مدل به خوبی از عهده پیش بینی مقادیر مربوطه برآمده است.

مقدار مقادیر اشتراکی مربوط به هر شاخص از طریق میانگین مرتبه دوم رابطه بین آن شاخص و سازه‌ی مربوط به خود که همان بارهای عاملی هستند حاصل می‌شود (داوری، رضازاده، ۱۳۹۲: ۸۹). معیار Redundancy نشانگر مقدار تغییرپذیری شاخص‌های یک سازه‌ی درون‌زا است که از یک یا چند سازه‌ی برون‌زا تأثیر می‌پذیرد و از حاصل ضرب مقادیر اشتراکی یک سازه‌ی درون‌زا در مقدار R^2 مربوط به آن بدست می‌آید. هرچه میزان میانگین Red بیشتر باشد، نشان از برازش مناسب‌تر بخش ساختاری مدل در یک پژوهش است.

توسعه فردی و تحول سازمانی

مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با تایید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود و تنها یک معیار به نام GOF دارد. مقادیر ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب ضعیف، متوسط و قوی توصیف شده است.

جدول ۷. مقادیر معیار Red و GOF

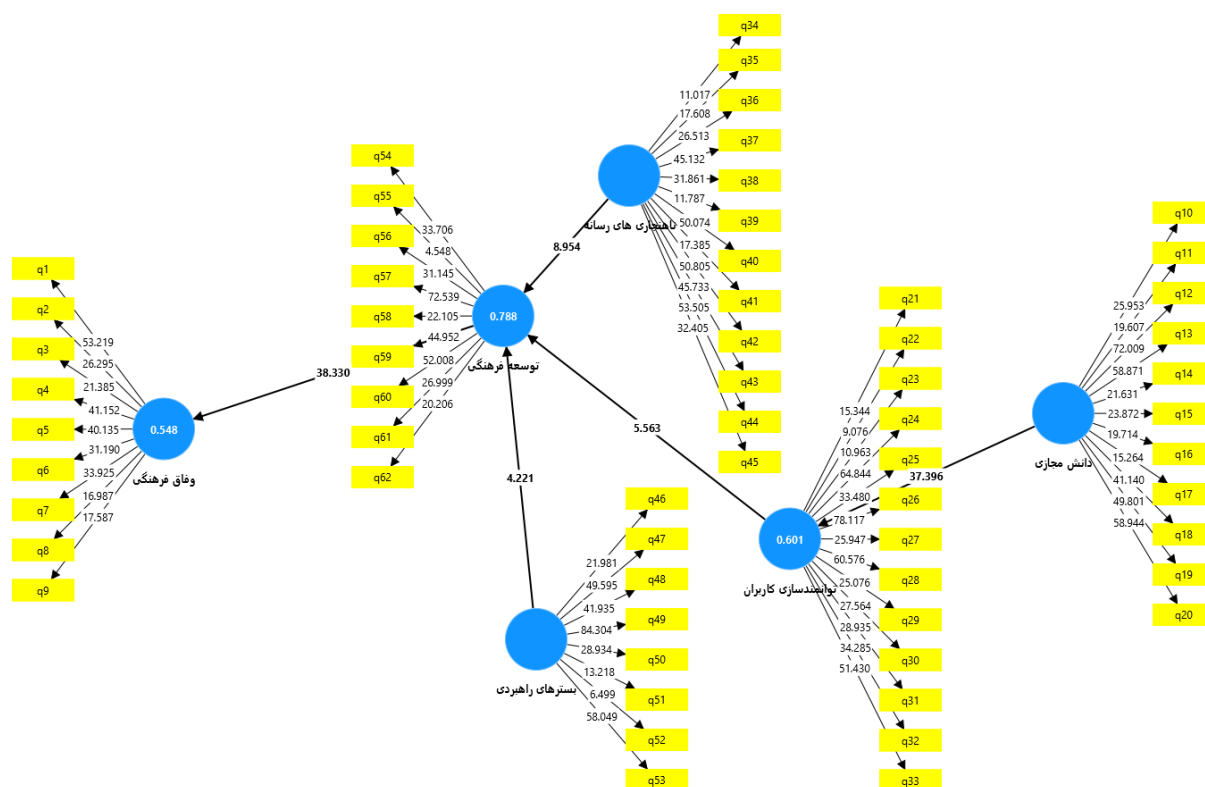
مقدار Red	
۰.۲۹۶	توانمندسازی کاربران
۰.۴۱۷	توسعه فرهنگی
۰.۲۶۸	وفاق فرهنگی
۰.۳۲۷	میانگین Red
۰.۵۷۲	مقدار GOF

مطابق جدول بالا، میزان تاثیر تغییرپذیری متغیرها در حدود ۳۳٪ بود. همچنین حاصل شدن مقدار GOF برابر ۰.۵۷۲ نشان‌دهنده برازش قوی مدل کلی بود چون مقدار GOF محاسبه شده بزرگتر از ۰.۳۶ است.

ابتدایی‌ترین معیار برای سنجش رابطه‌ی بین سازه‌ها در مدل (بخش ساختاری اعداد) معناداری t است. در صورتی که مقدار این عدد از ۱.۹۶ بیشتر شود، نشان از صحت رابطه‌ی بین سازه‌ها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۰.۹۵ درصد است.

جدول ۸. مقادیر آزمون آماره t مربوط به مدل مفهومی تحقیق

نتیجه	P مقدار-	معیار	انحراف (STDEV)	بارهای عاملی	
پذیرش	۰.۰۰۰	۴.۲۲۱	۰.۰۵۴	۰.۲۲۸	بسترهای راهبردی -> توسعه فرهنگی
پذیرش	۰.۰۰۰	۵.۵۶۳	۰.۰۴۰	۰.۲۲۱	توانمندسازی کاربران -> توسعه فرهنگی
پذیرش	۰.۰۰۰	۳۸.۳۳۰	۰.۰۱۹	۰.۷۴۰	توسعه فرهنگی -> وفاق فرهنگی
پذیرش	۰.۰۰۰	۳۷.۳۹۶	۰.۰۲۱	۰.۷۷۵	دانش مجازی -> توانمندسازی کاربران
پذیرش	۰.۰۰۰	۸.۹۵۴	۰.۰۵۵	۰.۴۹۱	ناهنجاری‌های رسانه -> توسعه فرهنگی



شکل ۲. ضرایب معنی داری مدل ساختاری

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که متغیر «دانش مجازی» دارای تأثیر مثبت و معناداری بر «توانمندسازی کاربران» در شبکه‌های اجتماعی است. این یافته با نتایج مطالعات پیشین در ادبیات نظری هم‌راستا است. به عنوان مثال، پژوهش (Hosseini & Alizadeh, 2023) نشان داد که افزایش استفاده هدفمند از شبکه‌های اجتماعی در بین معلمان باعث ارتقای ادراک آن‌ها از قدرت و استقلال حرفه‌ای شده است. همچنین (Lavilles et al., 2023) در مطالعه‌ای تأکید می‌کند که سواد دیجیتال و آگاهی نسبت به ساختارهای آنلاین از جمله مهم‌ترین عوامل ارتقای خودکارآمدی در تعاملات مجازی است. در واقع، دانش مجازی نه تنها شامل مهارت‌های فنی و رسانه‌ای می‌شود، بلکه آگاهی فرهنگی و اطلاعاتی نیز در بر می‌گیرد که این امر به کاربران امکان می‌دهد تا با درک بهتری از محیط مجازی، نقش فعال‌تری ایفا کنند (Alnaghaimshi, 2024; Pearson, 2023; Mirbik Sabzevari et al., 2024).

نتایج تحقیق همچنین بیانگر تأثیر مثبت توانمندسازی کاربران بر توسعه فرهنگی دیجیتال است. این نتیجه نشان می‌دهد که کاربران توانمند، با برخورداری از مهارت‌های شناختی، ارتباطی و مشارکتی، می‌توانند در فرآیند شکل‌دهی به پلتفرم‌های دیجیتال فرهنگی مؤثر باشند. این یافته با پژوهش‌های (Khatoon et al., 2024) و (Berraies et al., 2024) هم‌راستا است که به نقش کلیدی توانمندسازی روان‌شناختی و اشتراک دانش در ایجاد نوآوری فرهنگی و سازمانی اشاره کرده‌اند. همچنین، در تحقیق (Yulianti et al., 2023) نیز تأکید شده که کاربران، به‌ویژه در جوامع محلی، با استفاده از راهبردهای دیجیتال می‌توانند به کنشگران فرهنگی بدل شوند که در پایداری فرهنگی مؤثرند.

از سوی دیگر، نتایج نشان داد که متغیر «ناهنجاری‌های رسانه» نیز به‌طور معناداری بر توسعه فرهنگی دیجیتال اثرگذار است. این موضوع بیانگر آن است که در مواجهه با چالش‌هایی نظیر تهاجم فرهنگی، تبعیضات پلتفرمی و فیلترینگ، کاربران و ساختارهای شبکه‌ای می‌توانند به بازتعریف بسترهای فرهنگی بپردازند. یافته مذکور با مطالعه (Cai & Zhang, 2023) همخوانی دارد که تأثیر بحران‌های رسانه‌ای بر آگاهی حقوقی و

فرهنگی کاربران را بررسی کرده است. همچنین (Kunst & Mesoudi, 2024) در نظریه تکامل فرهنگی نشان می‌دهد که فشارهای محیطی می‌توانند منجر به بازسازی هویت‌های فرهنگی شوند که در فضای مجازی نیز نمود عینی می‌یابد.

در ادامه، تحلیل مسیرهای ساختاری مدل نشان داد که «بسترهای راهبردی» از جمله محیط دیجیتال و زمینه‌های سیاسی و قانونی نیز بر توسعه فرهنگی دیجیتال تأثیرگذارند. این یافته با نتایج پژوهش (Ogwezzy et al., 2025) هم‌راستا است که در تحلیل گفتمان رسانه‌ای، نقش سیاست‌گذاری رسانه‌ای و نهادهای میانجی را در شکل‌گیری گفتمان فرهنگی و وفاق عمومی برجسته می‌سازد. همچنین، (Estrella, 2025) در مطالعه‌ای پیرامون شبکه‌های اجتماعی بومی در مکزیک نشان می‌دهد که توسعه پلتفرم‌های محلی با مشارکت جوامع، به گسترش صداها و فرهنگی متنوع منجر می‌شود. بنابراین، این نتایج نشان می‌دهد که ساختارهای نهادی و زمینه‌های دیجیتال نقش مکملی در تحقق توسعه فرهنگی ایفا می‌کنند.

یافته پایانی پژوهش حاکی از آن بود که توسعه فرهنگی دیجیتال، تأثیر مستقیم و معناداری بر وفاق فرهنگی دارد. این بدان معناست که ایجاد همگرایی فرهنگی و تقویت پلتفرم‌های بومی، زمینه‌ساز انسجام فرهنگی و اجتماعی میان کاربران می‌شود. یافته مذکور با پژوهش (Savari & Haghghatian, 2024) تطابق دارد که مدل ساختاری انسجام اجتماعی را در کلان‌شهر اهواز تبیین کرده است. همچنین، در مطالعه (Côté & Evans, 2025) نقش شبکه‌های اجتماعی در تسهیل تحرک اجتماعی و انسجام فرهنگی در میان جوامع بومی به خوبی نشان داده شده است. وفاق فرهنگی، همان‌گونه که (Patel, 2023) نیز اشاره می‌کند، نتیجه هم‌گرایی آگاهانه میان باورها، نگرش‌ها و شیوه‌های زیست فرهنگی است که از مسیر گفت‌وگو و شناخت متقابل حاصل می‌شود.

تحلیل کیفی داده‌ها و تأیید آن در بخش کمی با استفاده از مدل معادلات ساختاری نشان داد که مدل مفهومی پژوهش، شامل شش کد محوری (دانش مجازی، توانمندسازی، بسترهای راهبردی، ناهنجاری‌های رسانه، توسعه فرهنگی دیجیتال و وفاق فرهنگی) دارای برازش مطلوبی است. مطابق با شاخص‌های آماری به‌دست‌آمده، میزان GOF معادل ۰.۵۷۲ گزارش شده که نشان‌دهنده قوت مدل کلی است. شاخص‌های R^2 برای متغیرهای درون‌زا از جمله توسعه فرهنگی و وفاق فرهنگی نیز به ترتیب ۰.۷۸ و ۰.۵۴ بوده که نشان‌دهنده قدرت تبیین بالا توسط متغیرهای مستقل است. نتایج تحلیل روایی و پایایی (Cronbach's alpha AVE, CR) نیز همگی در حد مطلوب و بالاتر از معیارهای پذیرفته‌شده بوده‌اند (van de Ven & Chateau, 2025).

بنابراین، مدل ارائه‌شده در این پژوهش می‌تواند به‌عنوان الگویی نظری برای تبیین نقش توانمندسازی در تحقق وفاق فرهنگی در جوامع متکثر و شبکه‌محور در نظر گرفته شود. این مدل با توجه به نتایج پژوهش‌های پیشین و استدلال‌های نظری، نشان می‌دهد که صرف حضور در فضای مجازی ضامن انسجام فرهنگی نیست، بلکه باید با ارتقای سواد مجازی، حمایت نهادی و مقابله با تهدیدات رسانه‌ای همراه گردد (Ozer & Kamran, 2023; Sharmin, 2024). مشارکت کاربران در تولید، بازآفرینی و به اشتراک‌گذاری محتوای فرهنگی، نه تنها موجب تثبیت هویت فرهنگی می‌شود، بلکه با گسترش گفتگوهای بین‌فرهنگی، به ایجاد زمینه‌های پایدار وفاق کمک می‌کند (Daniel & Mutz, 2023; Sharifan et al., 2022).

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، می‌توان به ناشناخته بودن تعداد دقیق جامعه آماری فعالان فضای مجازی در عراق اشاره کرد که سبب استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس شد. همچنین، به دلیل بافت فرهنگی خاص جامعه عراق و تأثیرپذیری آن از عوامل سیاسی، مذهبی

و قومی، تعمیم کامل نتایج به سایر کشورها باید با احتیاط انجام گیرد. محدودیت دیگر مربوط به خوداظهاری شرکت‌کنندگان در پاسخ به پرسشنامه بود که امکان بروز سوگیری‌های شناختی را افزایش می‌دهد.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی نقش واسطه‌ای یا تعدیل‌گر متغیرهایی همچون هویت قومی، میزان مشارکت اجتماعی یا سرمایه اجتماعی نیز بررسی شود. همچنین، انجام مطالعات تطبیقی در کشورهای دارای بافت فرهنگی مشابه عراق (مانند لبنان یا افغانستان) می‌تواند به غنای ادبیات نظری و کارآمدی مدل‌های توسعه فرهنگی کمک نماید. پیشنهاد می‌شود از روش‌های کیفی عمیق‌تری نظیر تحلیل روایت و تحلیل گفتمان نیز برای درک پیچیدگی‌های تعاملات فرهنگی در شبکه‌های اجتماعی استفاده شود. سازمان‌های فرهنگی و نهادهای رسانه‌ای می‌توانند با تدوین برنامه‌های آموزشی برای ارتقای سواد رسانه‌ای، کاربران فضای مجازی را توانمند کنند. توسعه پلتفرم‌های محلی با در نظر گرفتن فرهنگ بومی و تنوع زبانی، زمینه‌ساز انسجام بیشتر خواهد بود. همچنین سیاست‌گذاران می‌توانند با تدوین سیاست‌های حمایت‌گرانه، از مشارکت گروه‌های حاشیه‌نشین و اقلیت‌های فرهنگی در تولید محتوای دیجیتال حمایت کرده و به ایجاد وفاق فرهنگی در بسترهای آنلاین یاری رسانند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

Extended Abstract

Introduction

In the contemporary digital era, social networks have transformed the cultural and communicative landscapes of societies. These platforms are not only tools for interaction but have become significant cultural arenas that shape norms, values, identities, and collective perceptions. The growing presence of users on social media—especially in diverse and multi-ethnic societies such as Iraq—has led to both opportunities for cross-cultural engagement and challenges in maintaining cultural cohesion. Social media platforms are now considered as both cultural facilitators and disruptors, capable of enabling empowerment or exacerbating divisions (Alnaghaimshi & Pearson, 2023; Balick, 2023).

Empowerment within digital spaces is multidimensional and extends beyond technological access. It includes critical digital literacy, cultural awareness, and the capacity to interact constructively and autonomously with diverse cultural content (Khatoon et al., 2024; Mirbik Sabzevari et al., 2024). Previous studies confirm that empowered users are more capable of participating in meaningful online dialogues and promoting shared cultural values that lead to stronger cultural consensus (Berraies et al., 2024; Lavilles et al., 2023). In culturally fragmented societies like Iraq, this

empowerment is critical for mitigating cultural cleavages and facilitating social harmony through digital engagement (Daniel & Mutz, 2023; Haider et al., 2023).

The concept of cultural consensus refers to the degree to which members of a cultural group share common values, beliefs, and attitudes. It reflects the internalization of norms that are minimally disputed and serves as a stabilizing factor in societal cohesion (Ozer & Kamran, 2023; Patel, 2023). Achieving cultural consensus in online spaces requires not only exposure to diverse viewpoints but also the digital capabilities to negotiate identity and navigate cultural differences constructively (Estrella, 2025; Kunst & Mesoudi, 2024).

Previous literature has emphasized the role of social media in fostering cultural participation and the visibility of marginalized voices. Platforms such as Facebook, Instagram, and Twitter have become venues where cultural narratives are contested, reconstructed, and disseminated (Ogwezzy et al., 2025; Tang & Chan, 2024). However, without adequate digital empowerment and strategic support structures, users may become passive recipients of content or be exposed to disinformation and cultural biases that erode consensus (Cai & Zhang, 2023; Savari & Haghighatian, 2024).

Against this background, the present study aims to model the structural relationship between key variables—virtual knowledge, user empowerment, media anomalies, strategic infrastructures, digital cultural development, and cultural consensus—among Iraqi social network users. Building on theories of cultural adaptation and social empowerment, this study bridges a critical gap in the literature by examining how digital empowerment strategies can lead to sustainable cultural cohesion in fragile socio-political contexts (Côté & Evans, 2025; van de Ven & Chateau, 2025).

Methods and Materials

This study employed a mixed-methods sequential exploratory design. In the qualitative phase, grounded theory based on the Strauss and Corbin approach (1998) was used to identify core categories and dimensions. In-depth interviews with cultural and media experts in Iraq informed the construction of a conceptual model. Subsequently, in the quantitative phase, a descriptive-correlational method using structural equation modeling (SEM) was applied to validate the model. The statistical population comprised all active users of social media platforms in Iraq during the 2024–2025 period. Since the total population was unknown, Cochran's formula was used to estimate a representative sample of 384 participants selected via convenience sampling. Data were collected through a researcher-made questionnaire derived from the qualitative data, and its content validity was confirmed by experts. Convergent and discriminant validity, as well as reliability using Cronbach's alpha and composite reliability (CR), were evaluated. Data were analyzed using SPSS v27 and SmartPLS v4.

Findings

Descriptive statistics revealed that “user empowerment” had the highest mean score, followed by “digital cultural development” and “virtual knowledge.” The lowest mean was observed for “strategic infrastructures.” Correlation coefficients confirmed positive and significant associations among all variables.

Confirmatory factor analysis demonstrated that all factor loadings exceeded 0.70, and AVE values were above 0.5, confirming acceptable convergent validity. The Cronbach's alpha values for all constructs exceeded 0.88, and composite reliability (CR) values ranged between 0.90 and 0.93.

The structural model demonstrated that virtual knowledge had a significant and positive effect on user empowerment ($\beta = 0.77$, $t > 1.96$). User empowerment, in turn, significantly influenced digital cultural development ($\beta = 0.74$, $t > 1.96$). Media anomalies and strategic infrastructures also had significant positive effects on digital cultural development ($\beta = 0.67$ and $\beta = 0.71$, respectively).

Furthermore, digital cultural development positively impacted cultural consensus ($\beta = 0.73$, $t > 1.96$). The R^2 values for the endogenous variables ranged from 0.54 to 0.78, indicating moderate to high explanatory power.

Q^2 values were all greater than 0.35, demonstrating high predictive relevance. The GOF index was 0.572, suggesting strong overall model fitness. Redundancy indices were acceptable, confirming that the model effectively explained variance in observed variables.

Discussion and Conclusion

The results confirm the pivotal role of virtual knowledge in empowering users on social networks. Individuals with higher digital, media, and cultural literacy are more likely to participate actively in online discussions and contribute constructively to cultural dialogues. This finding supports the work of (Hosseini & Alizadeh, 2023) and (Khatoon et al., 2024), who found that digital skills enhance autonomy, self-efficacy, and professional development.

User empowerment was shown to significantly influence digital cultural development, aligning with (Berraies et al., 2024) who emphasized the mediating role of knowledge sharing and trust in fostering cultural innovation. Empowered users are not just consumers of content but co-creators of cultural narratives, capable of reshaping the digital space in inclusive and meaningful ways.

The study also underscores the dual nature of media anomalies. While challenges such as cultural bias, filtering, and content manipulation pose threats to cultural development, they simultaneously compel users to critically engage with content and advocate for indigenous platforms. This aligns with findings by (Cai & Zhang, 2023) and (Estrella, 2025), who argued that exposure to crisis-driven content can stimulate cultural reflection and resilience.

The significance of strategic infrastructures—such as supportive policies, accessible digital platforms, and inclusive governance—was also validated. Consistent with (Ogwezzu et al., 2025), the study found that contextual enablers enhance the impact of individual empowerment on macro-level cultural outcomes.

Finally, the positive influence of digital cultural development on cultural consensus reflects the idea that online platforms, when strategically managed and inclusively designed, can promote mutual understanding and shared cultural values. This conclusion echoes the work of (Ozer & Kamran, 2023; Tang & Chan, 2024), who advocate for intercultural literacy and inclusive digital spaces as preconditions for cultural harmony.

In summary, the findings demonstrate that fostering digital empowerment among users—particularly in diverse and post-conflict societies like Iraq—can serve as a viable strategy to strengthen cultural consensus. The validated model contributes both theoretically and practically to the understanding of how online empowerment intersects with cultural sustainability. It offers a valuable framework for policymakers, educators, and technology developers seeking to use digital platforms as tools for inclusive cultural development.

References

- Allah Moradi, A., Samet, A., & Kavosi, E. (2022). Presenting a Model for the Development of Cohesion and Cultural-Social Adaptation Among Ethnic Groups and Subcultures in Kurdistan Province. *Community, Culture, and Media*, 11(45), 213-238. <https://www.sid.ir/paper/1358563/fa>
- Alnaghaimshi, N. I., & Pearson, E. (2023). Empowering Arab tribal culture in the twenty-first century: social media use in the Gulf States. *Information, Communication & Society*, 26(6), 1087-1105. <https://doi.org/10.1080/1369118X.2021.1993956>
- Balick, A. (2023). Social Media, Identity, and Careful Culture: How Online Social Networks Limit Identity, Amplify Difference, and Diminish Social Cohesion. *Psychoanalytic Inquiry*, 43(1), 24-35. <https://doi.org/10.1080/07351690.2023.2160190>

- Berraies, S., Bchini, B., & Houaneb, A. P. (2024). Employees' empowerment and ambidextrous innovation: knowledge sharing as mediator and organisational trust as moderator. *European Journal of International Management*, 23(4), 648-676. <https://doi.org/10.1504/EJIM.2024.139615>
- Cai, X., & Zhang, T. (2023). A Study on the Dilemma of People's Legal Awareness Caused by the Communication of Public Crisis Events in the Social Media Era: The Beating Incident in Tangshan as an Example. *Journal of Humanities and Social Sciences Studies*, 5(3), 71-75. <https://doi.org/10.32996/jhsss.2023.5.3.11>
- Cao, C., Chen, M., Tang, X., & Liu, H. (2025). Linking information technology use with corporate entrepreneurship: The mediation role of openness to external knowledge. *Information Systems Journal*, 35(1), 71-96. <https://doi.org/10.1111/isj.12529>
- Côté, R., & Evans, M. (2025). Unpacking Indigenous Social Mobility: Entrepreneurs, Social Networks, and Connections to Culture. *Business & Society*, 64(1), 45-86. <https://doi.org/10.1177/00076503231219691>
- Daniel, H. D., & Mutz, R. (2023). What does impact mean for grantees? Cultural consensus in perceived personal, organizational and societal impacts of small-scale funding initiatives of the Volkswagen Foundation. *Qualitaet in der Wissenschaft*, 1(17), 24-32. <https://doi.org/UR>
- Estrella, E. C. M. (2025). Visibility of Indigenous Groups through Creativity and Social Networks in Mexico. In *Decolonising Digital Media and Indigenisation of Participatory Epistemologies* (pp. 175-185). <https://doi.org/10.4324/9781003496991-14>
- Gangwani, S., Alruwali, N., & Safar, S. A. (2021). Social media usage and female empowerment in Saudi Arabia. *Academy of Strategic Management Journal*, 20(4), 1-8. <https://www.abacademies.org>
- Haider, F. Z., Noor, K. Y., & Abbas, I. A. (2023). The role of social networking sites in promoting the culture of Iraqi rural women and empowering them. *3 c TIC: cuadernos de desarrollo aplicados a las TIC*, 12(1), 352-376. <https://doi.org/10.17993/3ctic.2023.121.352-376>
- Hosseini, S. M., & Alizadeh, N. (2023). The Impact of Utilizing Social Networks on the Professional Empowerment of Teachers. *Proceedings of the Sixth International Conference on Interdisciplinary Studies in Psychology, Counseling, Education, and Educational Sciences*. <https://doi.org/UR>
- Jacob, G., Faber, S. C., Faber, N., Bartlett, A., Ouimet, A. J., & Williams, M. T. (2023). A systematic review of Black People coping with racism: Approaches, analysis, and empowerment. *Perspectives on Psychological Science*, 18(2), 392-415. <https://doi.org/10.1177/17456916221100509>
- Khajeh Noori, N., & Zadfaraj, Z. (2022). Investigating the Role of National Broadcasting in Promoting Cultural Diversity (with Emphasis on Participatory Development). *Strategic Communication Studies*, 2(1), 33-45. <https://doi.org/10.22034/rcc.2022.253273>
- Khatoon, A., Rehman, S. U., Islam, T., & Ashraf, Y. (2024). Knowledge sharing through empowering leadership: the roles of psychological empowerment and learning goal orientation. *Global Knowledge, Memory and Communication*, 73(4/5), 682-697. <https://doi.org/10.1108/GKMC-08-2022-0194>
- Kunst, J. R., & Mesoudi, A. (2024). Decoding the dynamics of cultural change: A cultural evolution approach to the psychology of acculturation. *Personality and Social Psychology Review*. <https://doi.org/10.31234/osf.io/s5jp3>
- Lavilles, R., Tinam-Isan, M. A., & Sala, E. L. (2023). Social media as an enabler of women's entrepreneurial empowerment during the pandemic. *Asian Journal of Women's Studies*, 29(1), 136-153. <https://doi.org/10.1080/12259276.2023.2186633>
- Mirbik Sabzevari, A., Taghipour, F., & Zamani, A. (2024). Presenting a Model for Empowering Social Network Users in the Field of Cultural Security. *Scientific-Research Quarterly of Cultural Strategy*, 17(65), 159-184. <https://doi.org/10.22034/jsfc.2024.408300.2537>
- Mohammad, R. G. (2016). The role of social media in empowering the involvement of women in information technology workforce in Iraq. http://etd.uum.edu.my/5623/2/s815091_02.pdf
- Ogwezzy, A., Akpan, U. S., Nda, I. C., & Cookey, O. O. (2025). Media Framing of 2022 NUGA Games in Quest for National Cohesion and Gender Equality. In *Discourses in Sport Communication in Africa and the African Diaspora* (pp. 170-189). <https://doi.org/10.4324/9781003462156-12>
- Ozer, S., & Kamran, M. A. (2023). Majority acculturation through globalization: The importance of life skills in navigating the cultural pluralism of globalization. *International Journal of Intercultural Relations*, 96, 101832. <https://doi.org/10.1016/j.ijintrel.2023.101832>
- Patel, V. (2023). Cultural factors and international epidemiology. In *Medical Anthropology* (pp. 75-87). <https://doi.org/10.4324/9781315249360-9>
- Savari, M., & Haghighatian, M. (2024). Structural Modeling of Social and Cultural Factors Affecting Social Cohesion in the Metropolis of Ahvaz. *Social Cultural Strategy*, 13(1), 397-424. <https://doi.org/10.22034/scs.2023.389109.1420>
- Sharifan, S., Abdollahi, M., & Raei, M. (2022). Supporting Cultural Diversity in the Era of Globalization. *Quarterly Journal of Public Law Studies, University of Tehran*, 52(4), 2111-2126. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2020.291887.2220>

- Sharmin, S. (2024). Evolution of user behaviour on social media during 2018 road safety movement in Bangladesh. *Social Network Analysis and Mining*, 14(1), 194. <https://doi.org/10.1007/s13278-024-01349-z>
- Suksawas, W., & Soithong, P. (2024). Empowering Community Development Through the Application of Buddhist Principles: A Case Study of Saiyoi Subdistrict, Nernmaprang District, Phitsanulok Province. *Journal of International Buddhist Studies*, 15(1), 37-54. <https://so09.tci-thaijo.org/index.php/jibs/article/view/3251>
- Tang, Y. Y., & Chan, R. S. K. (2024). Unveiling the Importance of the Roles of Social Capital from Clan Association Memberships:: A Comprehensive Review. *Journal of Ethnic and Diversity Studies (JOEDS)*VL - 2(1). <https://joeds.com.my/index.php/home/article/view/37>
- van de Ven, I., & Chateau, L. (2025). *Digital Culture and the Hermeneutic Tradition: Suspicion, Trust, and Dialogue*. <https://doi.org/10.4324/9781003372790>
- Yulianti, S., Ismaya, S. B., Indrajaya, T., Sova, M., & Rosmiati, E. (2023). Empowerment Digital Marketing Strategy One Time Entrepreneur Micro Application Social Media in the Village Mekar Jaya, District Sukmajaya, Depok City. *East Asian Journal of Multidisciplinary Research*VL - 2(1), 393-416. <https://doi.org/10.55927/eajmr.v2i1.2744>